

انتخابات ایران، باعث دودستگی در میان خارج‌نشینان شده است

☒ گفتگوی رادیو پژواک با مهرداد درویش پور و روزبه پاریسی

شرکت در انتخابات یا تحریم آن، همواره دودستگی بزرگی در میان ایرانیان مقیم سوئد پدید آورده است. به همین مناسبت پژواک برنامه ویژه ای داشت با شرکت دو صاحب‌نظر، روزبه پاریسی پژوهشگر مرکز مطالعات سیاسی اتحادیه اروپا و دکتر مهرداد درویش پور، جامعه‌شناس و فعال سیاسی جمهوری خواه

روز جمعه هفته جاری، یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران برگزار می‌شود. در سوئد، ایرانیانی که ۱۸ سال بیشتر دارند و دارای تابعیت کشور ایران هستند، می‌توانند در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران واقع در جزیره لیدینگوی استکهلم، در این رای‌گیری شرکت کنند. اما همین مسئله، یعنی شرکت در انتخابات یا تحریم آن، همواره دودستگی بزرگی در میان ایرانیان مقیم سوئد پدید آورده است. به همین مناسبت پژواک برنامه ویژه ای داشت با شرکت دو صاحب‌نظر، روزبه پاریسی پژوهشگر مرکز مطالعات سیاسی اتحادیه اروپا و دکتر مهرداد درویش پور، جامعه‌شناس و فعال سیاسی جمهوری خواه. تمامی این برنامه ویژه را از فایل صوتی زیر می‌توانید بشنوید.

<http://sverigesradio.se/sida/spelaren.aspx>

پیام سندیکاهای کارگری ایران به معترضان ترکیه

☒

ما ضمن همبستگی با شما، خواستار عذرخواهی دولت از بازداشت اعضا و رهبران اتحادیه کارکنان بخش عمومی ترکیه KESK و اتحادیه معلمان

EGITIM SEN در ۱۹ فوریه ۲۰۱۳ به بهانه قوانین ضد تروریستی و همچنین معترضین کنونی که بخش بزرگ بازداشتی ها را کارگران و زحمتکشان شامل می شوند، و همچنین خواهان آزادی کلیه بازداشتی های اخیر هستیم.

خواهران و برادران زحمتکش ترکیه ای ده روز اعتراض شما در شهرهای کثورتان نسبت به تصمیم غیرمعمول دولت اردوغان با بازداشت و سرکوب روبرو شده است. با توجه به نقض حقوق ابتدایی انسانی و کارگری توسط دولت اردوغان در آتش گشودن به روی مردم غیرمسلح و تظاهرات آرامتان، ما کارگران ایرانی نه تنها خواستار عقب نشینی دولت اردوغان از تصمیم گرفته شده در مورد میدان تقسیم هستیم، بلکه مجازات کلیه افرادی که دستور آتش و ضرب و جرح و کشتن معترضان را داده اند نیز خواهانیم. همه دولت های سرمایه داری، معترضین را افرادی آشوبگر می خوانند و این در مورد دولت ضدکارگری اردوغان نیز به اثبات رسید.

ما ضمن همبستگی با شما، خواستار عذرخواهی دولت از بازداشت اعضا و رهبران اتحادیه کارکنان بخش عمومی ترکیه KESK و اتحادیه معلمان EGITIM SEN در ۱۹ فوریه ۲۰۱۳ به بهانه قوانین ضد تروریستی و همچنین معترضین کنونی که بخش بزرگ بازداشتی ها را کارگران و زحمتکشان شامل می شوند، و همچنین خواهان آزادی کلیه بازداشتی های اخیر هستیم.

بگذار همکاری، تبادل نظر و اتخاذ مواضع مشترک ما پیام امیدی باشد برای جنبش کارگری ترکیه و ایران.

گسترده تر باد همبستگی کارگری بین سندیکاهای ایران و ترکیه

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

۲۰/۳/۱۳۹۲

والتر ینس، اندیشمند بزرگ آلمانی درگذشت

او یکی از مدافعان سرشناس آزادی و آزادی بیان در آلمان به شمار ^x می‌آمد و به لحاظ توانایی‌اش در هنر سخنوری، آلمانی‌ها به او لقب "سخنور ملت" را داده بودند.

والتر ینس، نویسنده و فیلسوف و زبان‌شناس بزرگ آلمانی درگذشت.

تیلمان ینس، فرزند والتر ینس به خبرگزاری آلمان اطلاع داد که یکشنبه‌شب، ۱۹ خرداد ماه (۹ ژوئن) پدرش در ۹۰ سالگی در توبینگن درگذشت.

والتر ینس، استاد خطابه و رییس سابق آکادمی هنر در برلین سال‌ها از بیماری آلزایمار رنج می‌برد. او یکی از مدافعان سرشناس آزادی و آزادی بیان در آلمان به شمار می‌آمد و به لحاظ توانایی‌اش در هنر سخنوری، آلمانی‌ها به او لقب "سخنور ملت" را داده بودند. از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی ینس رواج فرهنگ بحث و گفت‌وگو در آلمان، پس از جنگ جهانی دوم بود.

والتر ینس در هشتم مارس ۱۹۲۳ در هامبورگ به دنیا آمد. در سال ۱۹۴۴ تحصیلاتش در رشته زبان‌شناسی را به پایان رساند. او رساله دکترایش را درباره سوفوکلس نوشته بود. مهم‌ترین اثر او در قلمرو ادبیات داستانی، "نه، جهان متهمان" نام دارد که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم نام او را در آلمان و فرانسه پراوازه کرد. ینس اما به تدریج به نقد ادبی روی آورد و در کنار مارسل رایش رانینسکی از مهم‌ترین منتقدان آلمان شد. او از اعضای "گروه ۴۷" بود و به لحاظ تأثیرپذیری‌اش از ولتر، به او لقب "ولتر کوچک جمهوری فدرال" را داده بودند.

بسیاری از روشنفکران در آلمان والتر ینس را یک مرجع اخلاقی می‌دانند. او همراه با نویسندگانی مانند هاینریش بل در شکل‌گیری دموکراسی در آلمان نقش مهمی ایفا کرد.

والتر ینس در برابر قدرت سر خم نمی‌کرد و بر آن بود که روشنفکران نباید به مصلحت تن دهند. در سال ۱۹۶۳ دانشگاه توبینگن رشته سخنوری را بنیان نهاد و والتر ینس را به عنوان استاد به کار

گماشت. یکی از افتخارات دانشگاه توبینگن این بود که ینس یکی از استادانش است.

والتر ینس به توماس مان، نویسنده سرشناس آلمانی علاقمند بود و به همراه همسرش، کاتارینا چندین عنوان کتاب درباره توماس مان و زندگی و شرح حال او و خانواده‌اش منتشر کرده بود.

برگرفته از تارنمای [www.berlin.de](#)

تحریم‌های گسترده ازسوی اپوزیسیون ایران، در اروپا و آمریکا

سه گفتگو با مهرداد درویش پور در باره تحریم انتخابات

رحمت قاسم بیگلو - رادیو بین المللی فرانسه

رادیو پیام کانادا

رضا گوهرزاد از تلویزیون اندیشه

رحمت قاسم بیگلو: چهار روز مانده به یازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری در ایران، در خارج از ایران، شهروندان ایرانی پیرامون لزوم دادن رأی و یا تحریم انتخابات به بحث و کشمکش ادامه می‌دهند.

چهار روز مانده به روز اخذ رأی، بسیاری از سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون از جناح‌های جمهوری‌خواه، چپ و میانه و اصلاح طلب، این انتخابات را تحریم کرده اند.

در یک گفت وگوی تلفنی با دکتر مهرداد درویش پور- جامعه شناس و فعال سیاسی جمهوری‌خواه مقیم استکهلم، ازوی پرسیدم با وجود چهره‌های نزدیک به اصلاح طلبان مانند روحانی و عارف، چرا باید انتخابات را تحریم کرد؟

دکتر درویش پور، بر این باور است که حتی با انتخاب روحانی یا عارف، به اصطلاح نامزدان نزدیک به اصلاح‌طلبان، گشایشی در فضای بسته سیاسی در ایران بوجود نخواهد آمد؛ از این رو چرا باید به این آقایان رأی داد.

در گفت و گو با دکتر درویش پور، از وی درباره دامن‌ تحریم‌ها و نظرسازمان‌های سیاسی اپوزیسیون ایرانی پرسیدم .

برای شنیدن گفتگو با مهرداد درویش پور

http://www.persian.rfi.fr/aef_player_popup/rfi_player#

گفتگوی رادیو پیام کانادا:

http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=-nxH9MaPftk


گفتگوی رضا گوهرزاد از تلویزیون اندیشه:

<https://www.youtube.com/watch?v=z080LqXTpoM>

بر دیوار های ترس و وحشت غلبه کنیم

 jungewelt
برگردان ناهید جعفرپور

مطالبه استعفای دولت از سوی مردم اعلام روشن و شعار اساسی این جنبش است. حتی اگر امروز چشم اندازی نباشد که چه زمانی یک دولت چپ جایگزین این دولت خواهد شد اما باز هم این مطالبه مردم و تقاضای کناره گیری دولت باید تقویت گردد.

 بیانیه ۴ ژوئن حزب کمونیست ترکیه خطاب به جنبش مقاومت در استانبول و سایر مناطق ترکیه

۱/ ترکیه روزهاست که صحنه مبارزه جنبشی واقعی از مردم این کشور است. تظاهرات هائی که از استانبول آغاز گشت و در حال حاضر در سراسر ترکیه گسترش یافته اند، کاملاً مشروع و منحصر به فرد و عملی بی سابقه تاریخی است. (...). مردم دیوارهای ترس و وحشت را شکسته اند و اعتماد به نفس خویش را باز یافته اند.

۲/ حزب کمونیست ترکیه از آغاز بخشی از این جنبش بوده و با تمام قوا بسیج نموده و کوشش کرده است تا ماهیت انقلابی و روحیه و آگاهی طبقاتی جنبش تقویت گردد. از این روی بیشماری آکسیون و تظاهرات را سازماندهی نموده و سعی دارد که آکسیونها چهارچوبی منظم داشته باشند. از این روی هم دفتر مرکزی حزب ما در آنکارا مورد تهاجم انبوهی از نیروهای پلیس قرار گرفت. در حال حاضر در سرتاسر ترکیه صدها نفر از اعضای حزب زخمی یا دستگیر شده و در بازداشت پلیس بسر می برند. تلاشهای ماموران که برخی از رفقای رهبری ما را بریبایند و یا بر علیه ما مردم را تحریک کنند شکست خورده و محکوم است.

۳/ تاکید بر نقش حزب ما به هیچ وجه نفی ماهیت غالب خودجوش مردمی این جنبش و نقش دیگر نیروهای سیاسی در جنبش نیست. برعکس از همان آغاز حزب ما تاکید داشت که این جنبش یک جنبه مهم دارد که تحت تاثیر هیچ کدام از نیروهای سیاسی و یا فرصت طلبی سیاسی قرار ندارد.

۴/ مطالبه استعفای دولت از سوی مردم اعلام روشن و شعار اساسی این جنبش است. حتی اگر امروز چشم اندازی نباشد که چه زمانی یک دولت چپ جایگزین این دولت خواهد شد اما باز هم این مطالبه مردم و تقاضای کناره گیری دولت باید تقویت گردد (...).

۵/ بدون شک، رهبران سیاسی دولت و قدرتمندان با تمامی ابزار تلاش خواهند نمود که اعتراضات مردم را سرکوب کنند و مجدداً کنترل را بر دست بگیرند اما آنها هیچ شانسی نخواهند داشت تا از این بحران خلاصی یابند. البته این هم ممکن است که آنها موقتاً پیروز شوند و از پیروزی خویش مسرور. اما در چنین موردی هم این جنبش مردمی بیهوده مبارزه نکرده است (...).

۶/ برای اینکه بخش هائی از جنبش سوسیالیستی ترکیه برای اهداف مشابه و مشترک مبارزه کنند و همچنین متحداً عمل کنند، باید در اسرع وقت این جنبش را تجزیه و تحلیل نمایند. حزب کمونیست ترکیه بدون غفلت از وظایف و اقداماتی که در این مرحله روزانه اش در

آکسیون ها باید انجام دهد، تلاش خواهد نمود این مسئولیت را بعهدہ بگیرد و در چارچوب اهداف مشترک یک زمینہ مشترک به وجود آورد.

۷/ برای اینکه از تلاش های دولت برای انشعاب میان بخش های قانونی و غیر قانونی حرکت جنبش مردم جلوگیری کنیم، باید با تمام قدرت از اقدامات و آکسیون هایی که مشروعیت اجتماعی جنبش را تضعیف می کند فاصله بگیریم. متجاوزین حاکمان سیاسی هستند. مردم باید از خویش و جنبش مشروعشان در مقابل این حملات دفاع کنند و هرگز به دام تحریکات دولت نیافتند.

۸/ اکنون زمان آن نیست در حالیکه توده ها با صدای بلند خواهان استعفای دولت هستند مذاکرات محدود در باره پارک گزی تقسیم انجام پذیرد. دولت هنوز نمی خواهد این واقعیت را قبول کند که مناسبات (...) تغییر کرده اند. همه می دانند که این جنبش تنها برای چندین درخت در پارک گزی شکل نگرفته است. بلکه خشم مردم بر علیه نابرابری های اجتماعی، بر علیه ترور انطباق بازار، دخالت دولت در شکل زندگی مردم، بر علیه آمریکائی بودن دولت، محافظه کاری و همچنین بر علیه سیاست دشمنانه بر علیه مردم سوریه، متوجه است. دولت نمی تواند مردم را فریب دهد و به آنها وعده دهد بجای سه درخت قطع شده پنج درخت جدید خواهد کاشت.

۹/ در تلاش جهت یافتن آلترناتیوی برای شاغلین، جنبش باید مصرانه روی برخی از خواسته هایش بماند. این خواسته ها در صورت کنار گیری دولت اردوغان هم هنوز اعتبار خواهند داشت.

الف/ دولت باید فوراً قطع درختان و یا بهتر بگوئیم طرح ازبین بردن پارک گزی و مرکز فرهنگی آتا تورک را متوقف سازد.

ب/ تمامی فعالانی که دستگیر شده اند فوراً آزاد گردند.

پ/ وقایع اخیر باید توسط کمیسیون کانون وکلا بررسی گردد و مقامات دولتی که در برابر مردم مقصر شناخته شده اند فوراً از شغلشان اخراج شوند.

ت/ تمامی تلاش ها برای محدود نمودن دسترسی مردم به اطلاعات باید فوراً حذف شوند.

ث/ تمامی ممنوعیت ها برای آزادی تجمع و اعتراض و تظاهرات و محدودیت های دیگر باید کنار گذاشته شوند.

ج/ موانعی که مشارکت آزادانه سیاسی مردم را محدود می سازد و تمامی مقررات ضد دمکراتیک قانون احزاب سیاسی باید فوراً لغو شوند.

چ/ تمامی تلاش ها برای تحمیل راه و روش یکسان برای همه مردم باید متوقف گردند.

۱۰/ این خواسته های فوری جایگزین حق ما و وظیفه ما برای مبارزه با سیستم سیاسی نیست. نیروهای مقاومت مردم بر علیه دولت باید تقویت شوند و تلاش ها برای ایجاد آلترناتیو های واقعی بیشتر گردد.

۱۱/ پرچم با هلال ماه و ستاره پس از کودتای فاشیستی ۱۲ سپتامبر که به سمبل ظلم و ستم علیه مزدبگیران و تجاوز شوونیستی علیه مردم کردستان تبدیل گشته بود، توسط مردم از دستان فاشیست آزاد گشت و مجدداً پرچم مردم شد.

۱۲/ از آغاز جنبش می توان تلاش ها را نظاره کرد مانند تلاش برای تحریک مردم ترکیه بر علیه هم و نا امید ساختن آنها. اما هیچ شانس برای شوونیسم و ناسیونالیسم و راسیسم وجود ندارد.

۱۳/ ما می گوئیم، که صلح با دولت ممکن نیست. با دولتی که تمامی کارت هایش را پیش مردم بازی کرده است نمی توان پیمان صلح بست. سیاست کردی باید امیدش را که در کنار دولت جای داشته باشد کنار بگذارد و جایگاه خود را در کنار روشنفکران، مزدبگیران وطن پرست در این جنبش بیابد.

۱۴/ شهروندانی که توسط نیروهای امنیتی قدرتمندان سیاسی کشته شده اند، جان خود را برای یک مبارزه عادلانه و تاریخی داده اند. مردم ترکیه آنها را هیچگاه فراموش نخواهد کرد و عاملان این قتل ها را محاکمه خواهد نمود.

حاکمیت قطعاً حضور اصلاح طلبان

را نخواهد پذیرفت

پایا راستگونیا



اصلاح هراسی حاکمیت همانا آزادی هراسی اوست، هر اصلاحی به شرط تحقق گامی است در مسیر آزادی و همزمان گامی است که استبداد باید در مسیر اضمحلال بردارد. و جمهوری اسلامی اگر اینرا درنیافته باشد در واقع و اساساً شرط وجود و اقتضاء بقای خویش را درنیافته است.

جمهوری اسلامی حضور و نقش اصلاح طلبان و اصلاح طلبی را نخواهد پذیرفت و این امری طبیعی و باید گفته شود در چارچوب مقتضیات این نظام عقلایی است، چرا که هرگز، از موضع قدرت، هیچ گونه آزادی و گشایشی را در اختناق فعلی نمی پذیرد. اگر صداقت را نزد برخی از اصلاح طلبان داخل حکومت و بنابراین نیت اصلاح طلبان آنها را بپذیریم باید گفت که خواست و سخن ایشان در رابطه به گشایش فضای سیاسی و تحقق آزادیهای سیاسی و اجتماعی دلیل بر آن است که آنها به درستی به مقتضیات سخن خویش در این ارتباط و عواقب محتوم آن برای نظام سیاسی آگاه نیستند، مگر اینکه آنها نیز مراحل را در نظر داشته و به اقتضای شرایط و حال خویش سخن گفته ولی در واقع و در نهایت آنها نیز خواهان فروپاشی جمهوری اسلامی باشند. چرا که اصلاح، گشایش اوضاع و تحقق آزادی ولو به طور نسبی آن نتیجه ای نخواهد داشت جز فروپاشی محتوم نظام ولی فقیه.

لازم است در روشن ساختن این موضوع به نکاتی اشاره شود:

در ساختار نظام حاضر در وضع و حال کنونی آن، در یک تقسیم بندی دو بخش را می توان تشخیص داد:

۱- بخشی که شامل نهادها و حوزههایی است که تمرکز و ثقل اصلی قدرت در آن استقرار یافته و در طول این چند دهه نهادینه گشته است.

۲- بخشها و نهادهایی که با توجه به اهداف و نیات اولیه در واقع می بایست اراده، خواست و انتخاب مردم را نمایندگی کرده، و اعمال قدرت و ادارت جامعه را تحقق می بخشید و ناظر بر جمهوریت و دموکراسی می بود ولی در حالت و شرایط کنونی با حضور سنگین و مسلط بخش نخست کارکردها و وظایف دیگری را یافته است از جمله:

الف) ویژگی نمایشگرانه و ظاهر پردازانه ای برای تلطیف، تعادل و

مشروعیت بخشیدن و دادن ظاهر و نمایی موجه به مرکز و کانون قدرت و به کل ساختار سیاسی.

ب) ایجاد موازنه و ارتباطی با واسطه میان کانون و رأس قدرت با تودۀ مردم.

ج) رفع و فتح امور جاری مردم و ادارۀ امور روزمره و دیوانسالاری کشور تحت تدبیر کلان بخش نخست.

در جمهوری اسلامی بخشی که مرکزیت و ثقل قدرت را شامل می شود منافع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاص خویش را داشته و همواره بسط و گسترش داده است و بدیهی است تا به سر حد توان و تدبیری که از او ساخته است از این منافع و حوزه های نفوذ و قدرت خویش صیانت می نماید.

اصلاح منهای آزادی و بدون در نظر داشتن به استلزام آن به آزادی حرف و نیتی توخالی و پوچ و عقیم است و به یک عبارت ناممکن و محال است و بنابراین این دو باید مرادف یکدیگر قلمداد شوند ترادف و استلزامی ضروری که حاکمیت شاید بیش از برخی مدعیان اصلاح طلبی آن را دریافته است. و در این معناست که اصلی ترین و خطیرترین عامل که امکان به چالش کشیدن این مرکز قدرت را خواهد داشت هرگونه اصلاحی است که ناظر بر گشایش فضای سیاسی و لذا تحقق آزادی ولو به طور نسبی باشد. از آنجا که آزادی در بیان و نقد لاجرم از یک سو خاصیت رسواگر و افشاگرانه داشته و از دیگر خود گسترنده و پیشرونده است، این رسواگری و افشاء ناگزیر چاره ای نمی یابد جز مفتضح نمودن قدرت و مشروعیت زدایی بیرحمانه از آن.

آزادی همواره خواستار رسواگری و افشاء و قدرت استبدادی همواره خواهان سرکوبگری است و طبیعی است که این دو نمی توانند در یک فضا و به مدت طولانی در کنار یکدیگر قرار گیرند چرا که هر دو متمایل به خنثی ساختن یا اضمحلال یا نابودی دیگری هستند.

اصلاح هراسی حاکمیت همانا آزادی هراسی اوست، هر اصلاحی به شرط تحقق گامی است در مسیر آزادی و همزمان گامی است که استبداد باید در مسیر اضمحلال بردارد. و جمهوری اسلامی اگر اینرا دریافته باشد در واقع و اساساً شرط وجود و اقتضاء بقای خویش را دریافته است. اصلاح و آزادی روندی محتوم و گریز ناپذیر خواهد داشت یعنی روندی است که ناگزیر به امحاء مرکز قدرت در جمهوری اسلامی راه خواهد یافت. پس اصلاح ناپذیری نظام کنونی فقط به سبب دشواری اصلاح در این

ساختار نیست بلکه این اصلاح ناپذیری و هم دشواری آن، به سبب این است که اصلاح سیاسی جز در مسیر انهدام ساختار نیست.

در این شرایط است که اصلاح طلبی و اصلاح به معنای واقعی و عینی آن مرز بنیادی و بی ارتباطی با دگرگونی ساختاری و انقلاب، دست کم با در نظر گرفتن فاکتور زمان نخواهد داشت و در واقع در راستا و در مسیر انقلاب خواهد بود. با در نظر داشتن زمان، ماهیت ساختار کنونی و تناقض محتوم آن با اصلاح و آزادی، سعی در مرز بندی و تمایز و تفکیک اصلاح از انقلاب ناگزیر مترتب بر آن صرفاً سعی در لفاظی و بازی با کلمات خواهد بود. قدرت حاکمه این استلزمات را به خوبی دریافته است. لذا این قدرت بنا به منطق درونی و ماهیت خویش اگر بخواهد خود را چند صباحی بیش حفظ نماید دقیقاً باید همان کارهایی را انجام دهد که از قرار معلوم تاکنون انجام می دهد و سعی آن در حذف هر مدعی اصلاح تشخیصی است بنا بر اقتضاء بقای آن. گفتمان اصلاح که با توجه به اقتضائات و ضروریات بر شمرده این حاکمیت همانا گفتمان انقلاب نیز می تواند تعبیر شود همان پاشنه آشیلی است که حاکمیت را به هراس افکنده و از همین روست که تصور تحقق اصلاح در ساخت کنونی و تجویزی چنین از سوی حاکمیت را باید به توهم چنین امری تعبیر نمود وگرنه تحقق آن را نباید به چیزی جز بی بیخردی و بی تدبیری سادلوحانه حاکمیت تعبیر نمود.

به نظر می رسد که روند امور رفته رفته به سمتی در حرکت است که سرانجام اصلاح و اصلاح طلبی به زعم حاکمیت به اسم رمزی برای براندازی و سرنگونی رژیم قلمداد گردیده و خواهد گردید. در این میان مهم نیست که اصلاح طلبان تا چه حد در خواست اصلاح طلبانه خویش صادقند یا در صورت پیروزی در نهادهایی چون ریاست جمهوری یا مجلس و... تا چه حد در اجرای آن موفق خواهند بود، مهم این است که گفتمان اصلاح و طنین آن در فضای سیاسی تمهید و مقدمه ای بر گفتمان براندازی و انقلاب در این فضا قلمداد شده و خواهد شد.

در این شرایط است که باید قلیان احساسات و هیجانات و توقعات و توهمات خیالپردازانه به خصوص پیرامون رویدادهای مقطعی را مورد بررسی و بازبینی قرار داده و از حرکت شتاب آلود در یک کوچ بن بست آنهم در تازی و تاریکی فضا اجتناب نمود. شرایط را محتاطانه تر، سنجیده تر و منطقی تر در نظر آورده و تدابیر دیگری را نیز در این زمینه مورد توجه قرار داد. در این رابطه در کنار هم گزینه های ممکن و محتمل دیگر، احتمالاً همچنان با توجه احتمالات و شاید امکانات موجود گسستها و اختلافات در درون باندها و گروه های

اقتدارگرای حاکم و سعی (حال به هر راهی؟!)، در تعمیق و گسترش این گسستها هنوز نقش بسیار مهمی ایفا می نماید.